

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مؤسسہ فرہنگی - ہنری فقہ الثقلین

## پاسخ به مسائل شرعی

دفتر حضرت آية الله العظمى صانعی مدظله العالی

دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹

۷۸۳۱۶۶۰ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۲

نمبر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۲۵۱

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر تهران - تلفن: ۴ - ۶۶۵۶۴۰۰۰  
نشانی: خ کارگر جنوبی، بین آذربایجان و جمهوری، کوچه کامیاب، پلاک ۱۷

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲  
نمبر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۵۱۱

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰  
نمبر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۳۱۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴  
نمبر: ۲۲۲۶۷۰۰ - ۷۱۱

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰  
نمبر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۸۶۱

دفتر تبریز - تلفن: ۵۲۶۴۶۲۶ - ۴۱۱

دفتر کرمان - تلفن: ۲۲۳۲۳۵۷ - ۲۲۳۲۳۵۶ - ۲۲۳۹۱۴۳  
نمبر: ۲۲۲۱۲۷۴ - ۳۴۱

دفتر خرم آباد - تلفن: ۳۲۱۷۰۳۹۰ - ۳۲۱۷۰۴۰ - ۳۲۲۷۶۱۹  
نمبر: ۳۲۲۷۶۱۹ - ۶۶۱

دفتر گرگان - تلفن: ۲۲۳۳۲۷۰ - ۲۲۳۳۲۶۰  
نمبر: ۲۲۳۳۲۸۰ - ۱۷۱

پاسخگویی به مسائل حج: تلفن: ۷۸۳۱۶۶۰ - ۲ / همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

www.saanei.org

Istifta @ saanei.org

Saanei @ saanei.org

Info @ saanei.org

۳۰۰۰۷۹۶۰

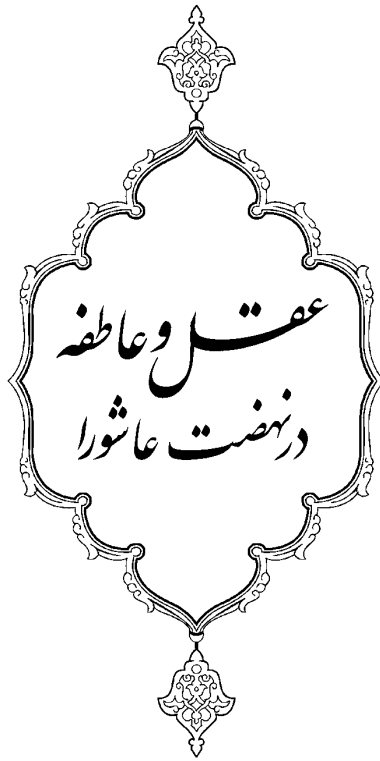
آدرس اینترنت:

پاسخ به استفتائات

تماس با دفتر معظم له

تهیه کتاب

سرویس پیام کوتاه



برگرفته از سخنرانی مرجع عالیقدر  
حضرت آية الله العظمى صانعى (مد ظله العالى)



انتشارات فقه الثقلین

**عقل و عاطفه**  
**در نهضت عاشورا**

برگرفته از سخنرانی مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی  
حاج شیخ یوسف صانعی (مد ظله العالی)

ناشر: انتشارات فقه الثقلین

تدوین: مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

لیتوگرافی: نویس • چاپ: کوثر

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۸۷ • شمارگان: ۷۰۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۰-۰۶-۷

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۸

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۹۶۷ - تلفن: ۷۸۳۲۸۰۲ - تلفکس: ۷۸۳۲۸۰۳

همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

[www.feqh.org](http://www.feqh.org)

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمه

از عاشورا و شخص حسین بن علی علیه السلام نمی توان به راحتی سخن گفت؛ چراکه در طول تاریخ، پس از آن واقعه، مخصوصاً از عصر عباسیان به این سو، نوع نگاه به این حادثه متفاوت بوده است.

در این حادثه، هم شجاعت نهفته و هم شهادت و عزاداری نیز با سبکهای مختلف (سستی و غیرسستی) به منصفه ظهور رسیده است.

در گفتار و کتابت عاشورا و کربلا تحریفها، دروغها و غلوهای بی شماری در حق خاندان اهل بیت علیهم السلام می بینیم؛ زیرا

همه در پی آنند که به آن درگاه نزدیکتر شوند و با دنیایی از احساس و عاطفه، بر شهیدان کربلا مرثیه بسرایند. بگذریم از اینکه گفتارهای نادرست چه حجمه‌ای علیه دین و ارزشهای انسانی بر جای گذاشته که ما را اینک با آنها کاری نیست. اما عزاداری مراجع معظم تقلید، زیبایی خاص خود را دارد. یکی با پای پیاده ادای احترام می‌کند و دیگری عمامه از سر بر می‌دارد و چونان انسانهای داغ‌دیده، بر سر و رو می‌زند. اینها همه نشانه عشق و دلباختگی به محضر آن عزیزانی است که فریاد مظلومیتشان، فضای دل و عقل و آشیانه ما را ملکوتی ساخته است و این چیزی نیست جز اعتقاد و درک هویت دینی و احیاء ارزشهای انسانی؛ ارزشهایی که ما را به عدالت و توحید نزدیک می‌سازد و زمینه‌های نقد و طرد سلطه‌گران اعتقادی و اقتصادی را هویدا می‌سازد.

حسین بن علی علیه السلام با انتخاب شهادت و تن ندادن به ذلت، دنیایی را برای ما ترسیم کرد که هم می‌توان زندگی کرد و انسان بود و هم وعده الهی را تحقق داد که وارثان به حق او، دیدار حق را لحظه شماری می‌کنند.

فضای دشت کربلا و مصمم بودن مردان پولادینی که عشق را در آغوش کشیدند و ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام و

مقتدایشان را لیبك گفتند، برای نسل ما و تمامی انسانهای آزادی خواه و مدافع حقوق بشر، الگویی ماندگار و همیشگی است که حلاوت و شیرینی آن از آدمهای با معرفت زوده شدنی نیست و به همین جهت است که حسین چراغ هدایت و کشتی نجات می باشد.

برای درك و فهم بیشتر این همه شکوه و عظمت به محضر مرجع نواندیش شیعه و فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صناعی (مد ظله العالی) می رویم و می خواهیم از حسین بن علی علیه السلام و عاشورای حسینی برایمان بگویند. چهره نحیف و دوست داشتنی شان به زردی می گراید و اشک در دیدگان شان حلقه می زند و بر خلاف تمام مدعیان روشنفکری، بی تابی می کند و با ما از حسین علیه السلام می گوید؛ کسی که سید و سرور جوانان اهل بهشت است و مصباح هدایت.

مرجع متفکر شیعه آنچنان به عزاداری سستی و حفظ آن معتقد است که برخی را به تأمل وا می دارد که آیا این انسان، همانی است که با فتوهایش تحولی بزرگ در حوزه فقه شیعی به وجود آورده است؟ لذا ایشان اصرار دارد و می گوید: «برپایی عزاداری سستی، عین روشنفکری است». لذا با ضجه ها و فریادهای خود در مراسم امام حسین علیه السلام به آن همه ابداعات و

روشنگری‌ها، جنبهٔ عینیت می‌بخشد و بر اندیشهٔ مسموم مخالفان راه خویش، خط بطلان می‌کشد.

به ما می‌فرمایند: ابی عبدالله علیه السلام عزت و آزادگی و بزرگ منشی را به تمام نسلها آموخت.

و امام خمینی علیه السلام به ما یاد داد که چگونه و چه زمانی می‌توانیم علیه قدرتهای ستم پیشه و سردمداران خشونت بتازیم و بشریت را از شر آنها رها سازیم.

به ما آموزش داد که شیعه همواره معترض است و هیچ‌گاه نباید با خدایان زور و استبداد و تزویر به سازش پرداخت.

و این است نقش بزرگ حسین بن علی علیه السلام در تمامی زمانها و مکانها.

معظم‌له بر این اعتقادند که علاوه بر نقش بزرگی که امام با آگاهی، انتخاب کرد و دوست می‌داشت که به رأی و تفکر توده‌های مردم احترام بگذارد و به اصلاح دین جدش اقدام کند، به ابعاد انسانی حرکت خویش نیز برای الگو ماندن برای تمامی نسلها توجه می‌دهد و تأکید می‌کند که نباید هیچ‌گاه از بُعد عشق، عاطفه و عقل حاکم بر نهضت حسینی غافل ماند.

سخنان گرم و حماسی این مرجع عالیقدر، ما را بر آن داشت تا با کنکاشی طولانی، سری به گفته‌ها و نوشته‌های کوتاه ایشان



در طول سالیان گذشته بزینم و با فصل‌بندی‌های خواندنی،  
مجموعه‌ای مبارک و میمون را تدوین کنیم و در آینده نزدیک  
به دست چاپ بسپاریم. امیدواریم آن روز دیر نباشد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

آبان ۱۳۸۷

معاونت فرهنگی مؤسسه فقه الثقلین

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ما به محرم<sup>۱</sup> و به عاشورای ابی عبدالله علیه السلام نزدیک می شویم؛ ماهی که فرزند رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روز عاشورا، همه وسایل نجات را همراه خود دارد: هم چراغ هدایت است و هم کشتی نجات. البته در مذهب ما، بقیه ائمه علیهم السلام نیز کشتی نجات اند.

مرحوم شیخ جعفر تستری با استفاده از روایات، بر این اعتقاد است که امام حسین علیه السلام کشتی نجاتی است که در توفانها خیلی راحت می تواند آدم را به ساحل نجات برساند. پس همه ائمه، کشتی نجات اند، اما کشتی نجات امام حسین علیه السلام در لجج غامره (= گرداب های فرو رونده) خیلی

۱. این نوشتار برگرفته از سخنرانی مرجع نواندیش شیعه می باشد که به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم الحرام سال ۱۴۲۸ هـ. ق در مدرسه فیضیه قم ایراد شده که با اندکی ویرایش به دست چاپ سپرده شده است.

راحت تر انسان را به ساحل می‌رساند و نجات می‌دهد. از طرفی همان‌طور که ائمه ابواب بهشت هستند، ابی‌عبدالله علیه السلام هم یک باب دارد به نام باب الحسین که خیلی توسعه دارد و افراد بسیاری را می‌تواند به بهشت ببرد.

باب امام حسین علیه السلام نیز با بقیه ائمه فرق دارد. به همین دلیل، ایشان می‌تواند هر انسانی را به بهشت ببرد؛ نه تنها با عزاداری، گریه، یا گریاندن، به سر و سینه زدن و اظهار مصیبت کردن، و نه تنها با تعظیم شعائر حسینی، بلکه با تباک<sup>۱</sup> هم می‌تواند وارد بهشت شود. این وسعت باب ابی‌عبدالله علیه السلام است؛ پس هم کشتی‌اش با بقیه کشتی‌ها فرق دارد، هم باب او با بقیه بابها. توسل به ایشان هم از خصوصیتی برخوردار است که هر کسی، به هر نحوی می‌تواند به ایشان متوسل شود و زمینه نجات خودش را فراهم سازد.

یادمان باشد که ریشه عزاداری و تعزیه برای ابی‌عبدالله علیه السلام با تاریخ بشریت همراه است. در داستان حضرت آدم می‌خوانیم هنگامی که جبرئیل علیه السلام اسماء خمس را بیان می‌کرد، وقتی به نام مبارک آقا ابی‌عبدالله علیه السلام رسید، گفت نمی‌دانم چرا در اسم

۱. تباک به این معنا است که عزادار خود را شبیه گریه‌کننده نشان دهد و با دیگران همراهی کند.

پنجم مغموم و مهموم شدم؟ در این اسم خصوصیتی نهفته است که قلبم را شکست. پس از آن، جبرئیل امین، برای امام روضه خوانی کرد و فرمود:

«صغیر هم یمیته العطش و کبیر هم جلدہ منکمش»<sup>۱</sup>  
 کودکانشان از تشنگی به شهادت می رسند و پوست بدن بزرگان آنان در هم کشیده می شود.

این داستان روزهای اول خلقت است. پس موضوع عزاداری با خلقت حضرت آدم آغاز می شود و متعلق به امروز و دیروز نیست.

اما آنچه سیره و روش علما، متشرعین و محبین اهل بیت علیهم السلام بر آن اساس تنظیم شده، جمع شدن و عزاداری کردن و تشکیل جلسه و ذکر مسائلی از اسلام، چه به صورت نثر و چه به گونه شعر می باشد، که از زمان امام صادق و امام رضا علیهم السلام متداول بوده است. در تاریخ آمده که امام هشتم علیه السلام، از اول محرم خنده از لبانش دور می شد. یا در حالات امام صادق علیه السلام هم به این صورت نقل شده است.

این رسم و سنتی است که ائمه، برای زنده ماندن اسلام، برای تنفر از ظالم و ستمگر - هر که باشد و هر کجا باشد - و برای

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸.

اظهار علاقه و عشق به مظلوم، به ما آموخته‌اند. به گفته شهید مطهری<sup>۱</sup>، گریه برای مظلومین، به خاطر ظلمی است که به آنها شده و این عمل، عشق و علاقه به آنها را می‌رساند. به همین جهت مظلومیت امام حسین<sup>علیه السلام</sup> و یاران باوفای ایشان را درک می‌کنیم و آنها را دوست داریم. ما تمام انسانهای خوب و پیرو آن امام عزیز را نیز دوست می‌داریم:

«ان الحسين سيد الشهداء وأصحابه سادة الشهداء»؛ ابی عبدالله<sup>علیه السلام</sup> آقای همه شهدا است و اصحاب او هم آقایان همه شهدا هستند.

کدام وجدان بیداری است که آن همه جنایت را از بنی‌امیه ببیند و دلش نشکند؟ انسانها چون دارای عاطفه هستند مظلومیت را بر نمی‌تابند و با کسی که ستم دیده و به او ظلم شده، اظهار همدردی می‌کنند. این حالت، گاهی به صورت گریه تجلی می‌کند و گاهی نیز به صورت‌های دیگر بروز می‌نماید. گاهی هم اختیار از دست انسان می‌رود و اعمال دیگری، مثل عمل حضرت زینب<sup>علیه السلام</sup>، انجام می‌دهد: «فقطحت جبینها بمقدم المحمل»<sup>۱</sup>. نه اینکه حضرت زینب<sup>علیه السلام</sup> با دیدن این فاجعه،

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵.

متوجه نبود که سرش را به چوب محمل می‌زند، این از جمله مسائلی است که بعضی‌ها آن را نشر داده‌اند. او عالمه غیر معلمه بود. او تربیت شده مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام بود. چگونه ممکن است زنی چون زینب، سر بریده برادر را ببیند و اختیار از دستش نرود؟ او به این کار افتخار می‌کند.

ما در عصری زیست می‌کنیم که به علت زندگی ماشینی و پیشرفت تکنولوژی از معنویت فاصله گرفته‌ایم، اما بشریت بدون اعتقادات و منهای عاطفه و احساس مفهوم ندارد. مهم این است که ما چگونه می‌توانیم از آنها استفاده کنیم و این عواطف را در مسیر درست هدایت کنیم و به طور صحیح آن را تحلیل و زنده نگه داریم. ما باید به طرزی روشمند عاطفه‌های ظلم ستیزی و منطق دفاع از مظلوم را در جهان بشریت احیا کنیم. گاهی انسان در عزاداری ابی عبدالله علیه السلام به سرش می‌زند و پیشانی‌اش هم ورم می‌کند. اینجا دیگر «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» معنا و مفهوم ندارد. آیا وقتی من در اثر تأثر در مصیبت حضرت زهرا علیها السلام و یا امام حسین علیه السلام بر پیشانی‌ام می‌زنم تا جایی که متورم شود، خلاف شرع است؟ وقتی عواطف و احساسات و عشق به ابی عبدالله علیه السلام، همه چیز مرا به فراموشی سپرده، دیگر اختیار هم از دست می‌رود.

این موضوع از جنبه فقهی نیز بحث خاص خودش را می‌طلبد و من به آن حوزه وارد نمی‌شوم، بلکه می‌خواهم بگویم که این عمل و توجه به سنت عزاداری، دارای عقلانیت و دنیایی از احساس و عاطفه است. این علاقه است و نباید جلوی آن را گرفت و مانع بروز عواطف شد. بگذاریم این انسانهای پاک، عواطف پاکشان را ظاهر کنند. بگذارید تباکی کنند. به همین جهت است که ما معتقدیم باب ابی عبدالله علیه السلام یک باب واسعی است. گریه کردن بر مظلومیت ابی عبدالله علیه السلام دارای ثواب است: «من بکی أو ابکی أو تباکی فله الجنة»<sup>۱</sup>. این سیاست اهل بیت علیهم السلام است. همان طوری که امام امت علیه السلام فرمودند باید این روش را حفظ کنیم؛ حفظ این سنتها، ربطی به مسایل روشنفکری ندارد. اگر کسی هویت خودش را حفظ کرد، روشنفکر نیست؟ نباید سنت و تجدد را مخلوط کرد، بلکه حفظ ارزشهای دینی و توجه به مسایل و معضلات روز، عین روشنفکری است. آیا آدمی روشن‌تر از امام خمینی سلام الله علیه سراغ دارید که در مسایل سیاسی و فقه اسلامی با تمام ابعادش، دقت نظر داشته باشد. ایشان زیارت غدیریه - زیارت

۱. کامل الزیارات، ص ۲۱۰.

مفصلی که امام علی النقی علیه السلام خوانده است - را در نجف اشرف ایستاده می خواند؛ زیارتی که حدوداً یک ساعت طول می کشد. همین امام می فرمود: عزاداری سستی را حفظ کنید، ما هر چه داریم از محرم و صفر داریم. به عزاداری اهمیت بدهیم؛ اما باید ببینیم چه می گوئیم و چه می شنویم. باید در ذکر مصیبت و مداحی ها به نکاتی بپردازیم که مورد توجه مخاطبان - مخصوصاً نسل جوان - قرار گیرد.

#### درسهای عاشورا

درسهای حادثه کربلا را باید فصحا و علما، متفکرین، صاحبان قلم و روشنفکران دانشگاه و حوزه بیان کنند تا مردم بیش از پیش با عظمت عاشورا و شخصیت بی بدیل ابی عبدالله علیه السلام آشنا شوند.

ما از حرکت امام از مدینه به سوی کوفه مخصوصاً رها کردن و ناتمام گذاشتن اعمال حج، درسهای بی شماری می آموزیم. یاد می گیریم که وقتی اصل دین و اساس مکتب با خطر مواجه است، باید حج را هم رها کرد.

ما می فهمیم وقتی مبنای نگاه به انسانها تغییر می کند و برخی می خواهند به نام دین و مذهب، خلق خدا را بنده خود سازند،



باید حرکتی جدی انجام داد.

امام حسین علیه السلام به ما آموخت وقتی می خواهند با تفسیر خود، اسلام را معرفی کنند و بر منبر رسول الله صلی الله علیه و آله بنشینند و دایهٔ مهربانتر از مادر شوند و روح اسلام را مسخ نمایند، نباید توقف کرد. در اینجا باید‌ها بی‌شمار است و حرکت زیبای امام حسین علیه السلام تحلیلهای بسیاری می‌طلبد که از حوصلهٔ این مطلب خارج است. من می‌خواهم از درسهای دیگر عاشورا بگویم. قبلاً و در موارد مختلف به موضوع وفا، اطمینان و صفا به عنوان درسهایی از حادثه کربلا اشاره کرده‌ام، ولی اینک می‌خواهم به موضوع دیگری بپردازم. امیدوارم طرح این درسها، امید به زندگی صحیح را در ما زنده نگه دارد و آرمانهای بزرگ آن امام عزیز را احیاء نماید.

در عصر عاشورای حسینی، ما با نوعی از وفا و بی‌وفایی روبه‌رو بودیم که تکرار و بازبینی آن، دل هر انسانی را به درد می‌آورد. گروهی که خود با اختیار و قلم خویش فرزند پیامبر را برای اصلاح دین جدش دعوت کردند و در نهایت با بی‌رحمی فراوان بر خود نیز رحم نکردند و رسم بی‌وفایی پیشه کردند و بر آن همه اصرار، مَهر بی‌وفایی زدند و امام را به قتلگاه کشاندند. آدمهای زبون و پستی که بویی از وجدان و غیرت انسانی، و

حتی عربی نبرده بودند.

در میان این دسته، افرادی از علمای ناآگاه هم بودند که دین پیامبر را توشیح و تفسیر می‌کردند و به حلال و حرام خدا می‌پرداختند. خود فروختگانی که اعتقادات خود را هم به سران قدرت ارزانی کرده بودند و فتوا بر قتل فرزند پیامبر می‌دادند و او را به نام یک خارجی که بر دین و سنت محمدی خروج کرده ذبح ساختند. در این اوضاع امام هم آرام نمی‌گیرد و به آنها نامه می‌نویسد که چگونه شده است که شما حقوق مردم را تعطیل کرده‌اید و حق ضعیفان را ضایع نموده‌اید و به ستمگران اجازه دادید تا با استفاده از موقعیت شما، مردم را به سوی ناآگاهی سوق دهند؟

اما در ضلع دیگر این حماسه، انسانهای بزرگی را در صحنه کربلا شاهدیم که تاریخ در مقابل شخصیت و عظمتشان سر تعظیم فرود می‌آورد. بزرگانی که حاضر بودند بارها بمیرند و زنده شوند تا در رکاب فرزند پیامبر بر زشتی‌ها و پلیدی‌ها بشورند و سنت رسول الله ﷺ را احیا نمایند. آیا می‌توان بر آن همه ایثار و از خود گذشتن تحلیلی مناسب ارائه کرد؟ می‌اندیشم که آیا می‌توان آن همه وفا و عشق را ترسیم نمود و یا چگونه می‌توان آن همه را برای این نسل یادآوری کرد؟

آری عصر عاشورا، مبحث اطمینان را نیز در خود ثبت کرد  
و به ما نشان داد که چگونه می‌توان با اطمینان پشت سر حق قرار  
گرفت و با قلبی آرام و مطمئن شهادت را پذیرا شد.

عصر عاشورا و حادثه کربلا، صفا را نیز به پیروان تشیع  
آموخت و یاد داد که انسانهای باوفا و مطمئن چه صفایی دارند  
و با چه عشقی به دیدار حق می‌شتابند.

انسانهای باوفای صحنه کربلا نشان دادند که چگونه با  
صفای درونی‌شان به دفاع از امام حق می‌پردازند و در نابودی  
باطل مصمم می‌باشند.

از دیگر درسهای عصر عاشورا این است که قوام حادثه  
کربلا را به مرد و زن بدانیم. زن و مرد، با هم حادثه کربلا را خلق  
کرده‌اند و در آن نقش داشته‌اند؛ یکی به شهادت و دیگری به  
اسارت. اگر خدا خواسته که حسین را شهید ببیند، زینب،  
ام‌کلثوم، سکینه و رباب هم اسرای کربلا هستند: «ان الله قد شاء  
ان يراهن سباياً»<sup>۱</sup> و بی‌جهت نیست که فرموده‌اند اگر اسارت  
زینب و کاروان اسرا نبود، ارزش شهادت ابی‌عبدالله علیه السلام را از بین  
می‌بردند و قدرت تبلیغی بنی‌امیه نمی‌گذاشت کسی بفهمد که

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.

ابی عبدالله علیه السلام شهید شده و چه پیامی داشته است. اگر هم کسی می فهمید می گفتند علیه حکومت وقت قیام کرده و به آشوب دست زده است. اما این زینب، ام کلثوم و دختران ابی عبدالله علیهم السلام هستند که در طول مسافرت، هر جا سخن گفته اند، عالی ترین و زیباترین حماسه ها را خلق کرده اند و راه را برای استفاده از وجدان عقلی و عاطفی مردم هموار نموده اند.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در بازار کوفه را بنگرید:

«یا اهل الکوفه، یا اهل الختل و الغدر و الخذل ...  
أندرون و یلکم ای کید لمحمد صلی الله علیه و آله فرثتم و ای عهد  
نکتتم؟ و ای کریمه له ابرزتم؟ و ای حرمة له هتکتتم؟<sup>۱</sup>  
ببینید این زن چگونه بین عقل و عاطفه و عقلانیت و احساسات را جمع کرده است. او می گوید:  
«ای مردم اهل دروغ و نیرنگ! نیرنگ! خلاف  
انسانیت و عقل است. ای اهل دروغ و اهل  
مکر!...».

زینب در اینجا از عقلانیت و انسانیت استفاده می کند:  
«ای کید لرسول الله افرثتم؟»؛ می دانید چه جگر

گوشه‌ای از پیغمبر را قطعه قطعه کردید و از بین بردید؟

این استفاده از عاطفه است.

همین بانوی عالمه در مجلس یزید بن معاویه و با استفاده از تاریخ فریاد می‌زند: «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بِنَ الْطَلْقَاءِ تَخْدِيرِكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَائِكَ وَسُوقِكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ سَبَايَا»<sup>۱</sup> سابقه شما مشخص است. شما کسانی هستید که مخالف رسول الله ﷺ و اعمال انسانی بودید و اگر لطف جدّ ما نبود، هنوز در جهالت و وحشی‌گری زندگی می‌کردید: «انتم الطلقاء»، «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بِنَ الْطَلْقَاءِ...».

آری، این شعار عدالت‌طلبی اوست و با این گزینه، طرفداری از حقوق انسانها را فریاد می‌زند: ای یزید! تو کنیزهای خودت را پشت پرده نگاه داشته‌ای و دختران پیغمبر را در مجلس نامحرم و به عنوان اسیر حاضر کرده‌ای؟

پرواضح است که یک زن به نام زینب، دختر امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب چقدر زیبا و متفکرانه بین تاریخ، عقل و عاطفه را جمع می‌کند و در حضور مفسران رسمی دین و ظالمان به حقوق اولیه انسانها،

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۲۵.

از حقیقت دین می‌گوید و بر ستمگری و قلدری ظالمان خط بطلان می‌کشد.

به همین جهت است که آگاهانه و با استفاده از شناخت روانی ستمگران، وقتی از او می‌پرسند این حادثه را چگونه دیدی؟ می‌گوید: «ما رأیت إلا جمیلاً»؛ من چیزی جز زیبایی نمی‌بینم. این کلام آنچنان بر افکار جاهلی نسل بنی‌امیه وارد شد که دیگر حرفی برای گفتن نداشتند. حاضران در صحنه نیز با شنیدن این کلمات سنگین که هر کدام معنایی به بلندی تاریخ دارد، حزن و اندوه سراسر وجودشان را پر کرد. همگان یکبار دیگر دیدند که گویی امیرمؤمنان علیه السلام است که در مسجد کوفه خطبه ایراد می‌کند، آن هم با آن صلابت و شجاعت.

پس در حادثه کربلا مرد و زن همراه هم هستند و هیچ نگرانی ندارند و پا به پای هم وارد کارزار می‌شوند. در اینجا زهیر و همسرش هم هستند... عصر عاشورا، خیلی‌ها را به صحنه آورد و چهره بسیاری را تابناک کرد؛ حبیب بن مظاهر و آن همه ایثار، هانی و دنیایی از شجاعت و... ولی عشق‌بازی یک غلام بیشتر خود نمایی می‌کند: غلام مسلم بن عوسجه. داستان کوتاه آن، چنین است:

«شهر در کنترل مأموران است. مسلم اسب خود را

به غلام داد و گفت می‌خواهیم به یاری  
 ابی‌عبدالله علیه السلام در کربلا برویم، برو خودت را آماده  
 کن. اما مأمورین بنی‌امیه و عبیدالله بن زیاد  
 نمی‌گذاشتند کسی از شهر بیرون برود، ولی او با هر  
 ترفندی بود اسب را در آرامش شب بیرون آورد.  
 آمدن مسلم طولانی شد، غلام دستی به سر و گردن  
 اسب کشید و گفت: ای اسب! غصه نخور! اگر آقایم  
 مسلم بن عوسجه نیامد، من خودم بر پشت تو سوار  
 می‌شوم و به یاری ابی‌عبدالله علیه السلام می‌رویم.»  
 این گفتگو چه هدف و مرامی را نشان می‌دهد؟ این چه  
 مکتبی است که ابی‌عبدالله علیه السلام به وجود آورده است؟ باید بیشتر  
 اندیشید.

اگر در تاریخ با دقت بنگریم درمی‌یابیم که در عصر عاشورا  
 کدام یک از انسانها در حفظ انقلاب حسینی پیشتاز بوده‌اند؛  
 زینب و کاروان اسرا یک پیام داشتند و همان‌طور که اشاره شد  
 پیام آور پس از عصر عاشورا. البته دختران و زنان اهل بیت علیهم السلام  
 نیز هر کدام نقش به‌سزایی داشتند، به همین جهت است که ما  
 معتقدیم زن و مرد هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و آدمیت زنها به  
 اندازه آدمیت مردهاست. این حرف، بعضی از افراد ناآگاه را

عصبانی می‌کند؛ چرا؟ بحث فقهی که عصبانیت ندارد. ما که نگفتیم بُت پیرستید، گفتیم آدمیت زنها با مردها برابر است. ما در این حادثه دردناک می‌بینیم که زنها در دفن شهدا بر مردها مقدم بودند. پس از واقعه کربلا، طایفه بنی‌اسد برای دفن شهدا تعلق می‌کردند. زنها گفتند اگر شما می‌ترسید، ما می‌رویم و آنها را دفن می‌کنیم. با این سخن، مردها تحریک شدند. این حرکت باید در بینش اسلامی زیربنای فکری ما باشد؛ همچنین در فقه اسلامی در اخلاق اسلامی، در زندگی و برخورد اجتماعی هم باید زیربنا باشد.

زنها به خوبی توانستند در این حادثه نقش مثبتی را ایفا نمایند و با تصمیم بر دفن شهدا، بر ترس و هراس از بنی‌امیه فائق آمدند و مردها را نیز وادار کردند تا بر ترس و دلهره غلبه کنند. در حادثه کربلا و پس از کشته شدن امام، رباب می‌گوید: من زیر سایبان نمی‌روم، چون همسرم در مقابل خورشید گرم سوزان افتاده است. می‌گویند رباب یک سال در کربلا و در مقابل نور مستقیم خورشید نشست و عزاداری کرد. باید این حرکت را بالای منبرها بگوییم و البته به شرط اینکه بعد نگوئیم زنها بی‌وفا هستند! و چیزی سرشان نمی‌شود! باید دهان اینهایی که این حرفها را با آگاهی می‌زنند پراز آتش کرد و اگر ناآگاهانه



حرف می‌زنند، از خدا برای آنها طلب عقل و آگاهی کرد. این وفای زن است، کدام وفایی بالاتر از این می‌شود؟ یک سال در مقابل تابش خورشید نشست و گفت من از این جا تکان نمی‌خورم. زینب رضی الله عنها گفت برایت سایبان درست کنم، گفت سایبان نمی‌خواهم، بدن ابی عبدالله رضی الله عنه در آفتاب است، آن وقت شما می‌خواهید برای من سایبان درست کنید؟

این یک درس است و باید در سراسر فقه مطرح بشود، نه اینکه فقط بالای منبر بگوییم. آیا درست است پس از این همه شواهد و قرائن باز هم به یک روایتی که به جعل شبیه‌تر از واقعیت است و از طریق امامیه هم نقل نشده، استناد کنیم که پیغمبر فرمود:

«أَخْرَوْنِ مَنْ حَيْثُ أَخْرَجَ اللَّهُ؟ زَنَاهَا رَا عَقْبَ بَيْنْدَا زِيد، هَمَان طُورَ كِه خُدا أَنَهَا رَا عَقْبَ اِنْدَاخْتِه اِسْت.»

وقتی بگوییم پیغمبر فرموده: «اخرهن» با این تعبیر، او نمی‌تواند قاضی، مرجع تقلید، حاکم و رئیس جمهور بشود؛ چرا که خدا آنها را مؤخر دانسته است! پس مفهوم «المؤمنون و المومنات والمسلمین و المسلمات، المصدقین و المصدقات» چیست؟ چرا باید سخن یک شخص عامه را که روایت او مرسل

است و از نظر برادران اهل سنت هم سندیت ندارد و از طریق امامیه نیز نقل نشده پذیرفت. پس چرا در دهه عاشورا از زینب، ام کلثوم و رباب می‌گوییم که آنها چنین کردند و بعد از دهه می‌گوییم «آخر هن الله» اصلاً زنها ارزش ندارند! باید به خدا پناه برد.

از درس‌های دیگر عصر عاشورا، رعایت حقوق انسانها و حیوان‌ها است. ابی‌عبدالله علیه السلام در حادثه کربلا عملاً حقوق بشر و حقوق حیوانات را هم مراعات کرده است. ایشان وقتی به منزل «ذی حسم» رسید، دستور داد به سربازان دشمن که از راه رسیده‌اند و تشنه‌اند آب بدهید، اسبها و مرکبایشان را هم آب بدهید. بعد فرمود به این حیوانات، آهسته آهسته آب بدهید، چون زیاد گرما دیده‌اند، اگر یک دفعه آب بخورند ناراحت می‌شوند. بگذارید مرکبها آهسته آهسته آب بخورند. در کجای دنیا می‌توان پیدا کرد که به دشمن این‌گونه نگاه کنند و علاوه بر رعایت حقوق انسانی، حقوق حیوانات را هم با این اوصاف مراعات کنند؟!

درس دیگر حادثه عاشورا، شفافیت با همگان را می‌آموزد. ابی‌عبدالله علیه السلام هیچ‌گاه حيله نکرد و خلاف واقع سخنی بر زبان نیاورد. حرفی را ناگفته برای دوستانش نگذاشت و از اول

شفاف برخورد کرد. همه ما باید در زندگی خانوادگی، در دوستی‌ها، در زندگی طلبگی، در حکومت، در سیاست، در اقتصاد و در همه جا شفاف باشیم و واقعیت‌ها را صاف و بدون هیچ پرده پوشی بگوییم، حتی اگر این واقعیت برای ما سنگین تمام شود.

ابی عبدالله علیه السلام روز هفتم ذی الحجه رسماً هدف خود را اعلام می‌کند و می‌فرماید:

«من كان باذلاً فينا محجته فليرحل معنا فاني راحل  
مصباحاً غداً انشاء الله!»<sup>۱</sup> من می‌خواهم بروم خون دل  
بدهم، می‌خواهم بروم خون قلب بدهم؛ من عاشق  
و دل‌باخته شهادتم.

موضوعی که او و خدایش می‌داند. هرکسی می‌خواهد بیاید، بیاید، خبری از پست و مقام و ریاست نیست. در این راه، شهادت است و کشته شدن. این شفافیت اول حرکتش است. وقتی راه افتادند مردی را دیدند که از کوفه می‌آید. امام فرمود: در کوفه چه خبر است؟ گفت: آیا در مقابل این جمعیت بگویم یا برویم جای دیگر؟ امام فرمود: ما چیزی را از

۱. معالم المدرستین، سید مرتضی العسکری، ص ۶۱.

اصحابمان پنهان نمی‌کنیم.

آن مرد گفت: دیدم رجاله‌ها ریسمان به پاهای بدون سر مسلم بن عقیل، نماینده خاص شما و میزبانش هانی بن عروه بسته بودند و می‌کشیدند. این گزارش برای یک آدم جنگجو خیلی سنگین است. در آن بوی شکست به مشام می‌رسد، اما امام این خبر شکست را مخفی نمی‌کند. بعد هم دختر مسلم بن عقیل را نزد خود می‌آورد و او را نوازش می‌کند و آهسته آهسته به او می‌فهماند که پدرش شهید شده است. به او می‌گوید: من به جای پدر تو و علی اکبر به جای برادر تو.

عصر عاشورا، با آن حادثه تلخ و نابرابر، درسهای فراوانی را برای ما گذاشت. وفای به عهد و ایمان به خدا را معنا کرد و چهره بسیاری را که در زیر ردای دین پنهان شده بودند رسوا ساخت. آنهایی را که در برابر انحراف جامعه و مرگ فرهنگ اسلامی سکوت کرده بودند و یا مفسر رسمی قدرت شده بودند محکوم کرد و پوچی و بی‌هدفی راه و رسم آنها را غیر مشروع دانست و این شکست سختی بود برای آنان که می‌پنداشتند می‌توانند همیشه بر افکارشان مهر تأیید بزنند و نسل انسان را به طرف مسخ دین و نابودی ارزشهای انسانی ببرند؛ غافل از اینکه امروز نیز در عصر مدنیت و علم، هنوز بوی خوش حسین بن علی علیه السلام و

یاران باوفایش به مشام می‌رسد... عاشورا برای همهٔ انسانها، عدالت و توحید، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح نظام‌های فاسد و فریاد در برابر انحراف دین را به نمایش گذاشت. اینها تمام بُعد عقلانی نهضت عاشوراست.

پس باید صادق بود و شفاف، همان‌طور که ابی‌عبدالله علیه السلام در شب عاشورا شفاف است و به یارانش می‌فرماید: هر کسی فردا اینجا بماند کشته می‌شود. علی اصغر و قاسم هم شهید می‌شوند. هر کسی می‌خواهد، برود. یعنی آگاهانه حرکت کنید.

ای انسانها! امام حسین علیه السلام این پیام را برای همهٔ ما دارد که: در زندگی اجتماعی و سیاسی، آگاهانه حرکت کنید. حیل به کار نبرید و با شفافیت حرف بزنید. قدرت‌ها و حکومتها می‌روند و عمر دولتها تمام می‌شود، اما حق می‌ماند: «فَأَمَّا آلَ زَبْدٍ فَيَذْهَبُ جُفَاءً»<sup>۱</sup>.

## گزیده‌ای از استفتائات در ارتباط با عزاداری ائمه اطهار علیهم‌السلام

(س ۱) بعضی‌ها می‌گویند سادات در جهان آخرت به آتش دوزخ نمی‌سوزند. آیا این گفته صحّت دارد یا خیر؟

ج - صحیح نیست و آنچه در روایات آمده مخصوص است به فرزندان که از حضرت زهرا علیها‌السلام متولّد شده‌اند؛ مثل حسنین و زینبین. و امام هشتم علیه‌السلام در روایتی به برادرش زید خطاب کرده، فرمودند: «چه طور می‌شود موسی بن جعفر علیه‌السلام با آن همه عبادت و طاعت، باتو که هر معصیتی را انجام می‌دهی برابر باشید؟! و بعد فرمودند: خداوند فرزند نوح علیه‌السلام را به دلیل معصیت از

او نفی کرده است، با اینکه حقیقتاً از او بود؛ پس آنچه موجب نجات از آتش است اطاعت الهی است، از هر کس باشد، و آنچه موجب عذاب و آتش است، معصیت و نافرمانی خداست، از هر کس که سر بزند، و کسی که اطاعت خدا را نکند از ما نیست. و اگر تو ای زید اطاعت خدا نکنی، از ما اهل بیت نیستی.»

۷۹/۷/۲۸

(س ۲) آیا مقام پیامبران، بالاتر از مقام امامان است؟

ج - مقام و منزلت ائمه علیهم السلام فی حدّ نفسه بالاتر از مقام پیامبران است.

۸۱/۱۲/۱۳

(س ۳) الف - علم ائمه به عالم غیب و آینده و حوادث آن محدود است یا مطلق و نامحدود؟

ب - آگاهی ائمه از زمان و مکان دقیق شهادت چگونه است؟

ج - الف و ب) علم ائمه علیهم السلام به غیب، محدود به اذن و خواست و رضایت خدای متعال می باشد و آن بزرگواران از خصوصیات شهادت خویش به اذن خدا آگاه بودند.

۸۰/۴/۲۵

(س ۴) فرق بین خداوند و اهل بیت در چیست و آیا این

گفته که (خداوند خالق و اهل بیت مخلوق اند و دیگر هیچ فرقی با هم ندارند) درست است؟

ج - تمام موجودات مخلوق خدا هستند و تمام انسان‌ها بندگان خداوند و فرقی در این باب بین اهل بیت علیهم‌السلام و دیگران نیست، جز اینکه هر کس در درجه‌ای از عبودیت و بندگی قرار دارد که اهل بیت علیهم‌السلام در بالاترین درجات بندگی خداوند قرار دارند و خداوند آنها را واسطه فیض خود به موجودات قرار داده است.  
۸۰/۱۲/۵

(س ۵) الف - روایت با شمشیر یا سم کشته شدن (شهادت) ائمه اطهار کلی است یا شامل بعضی از ائمه می‌باشد؟

ب - آیا پیامبر اسلام هم مسموم شدند؟

ج - آیا امام زمان علیه‌السلام آخر الامر با شمشیر به شهادت می‌رسند یا سم؟

ج - شامل همه ائمه علیهم‌السلام می‌باشد و روایت اطلاق دارد و مرحوم مجلسی بزرگ کلمه «مامناً» را در روایت به ائمه معصومین علیهم‌السلام تفسیر کرده است؛ گرچه بعضی از روایات دلالت دارد که سبب رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم مسمومیت بوده است و کیفیت شهادت



حضرت مهدی (عج) معلوم نیست و فقط در روایت دارد که امام حسین علیه السلام او را دفن می‌کند و بر او نماز می‌خواند. ۸۰/۴/۲۵

(س ۶) شنیده شده که برخی شخصیت‌های صدر اسلام دارای عصمت صغری بودند آیا این مطلب درست است؟ آیا یاران مهدی (عج) نیز دارای این مقامند و ملائکی آنها را از ارتکاب گناهان بزرگ باز می‌دارند؟

ج - ممکن است انسان به درجه‌ای برسد که خیلی کم گناه کند، اما مقام عصمت مخصوص انبیاء و زهرا و ائمه هدی علیهم السلام است. ۸۱/۷/۲۰

(س ۷) آیا کف زدن در میلاد ائمه اطهار علیهم السلام مانند سینه زدن در شهادت آن بزرگواران علیهم السلام ثواب دارد؟

ج - همان گونه که عزاداری در عزای اهل بیت علیهم السلام موجب اجر و ثواب است؛ شاد بودن در شادی‌های اهل بیت علیهم السلام هم موجب اجر و ثواب است. ۸۱/۸/۱۴

(س ۸) شخصی که اعمالش را به روح امامی تقدیم می‌کند آیا ثوابی هم برای خود او باقی می‌ماند یا خیر؟

ج - ثوابش به آنها و به خود او می‌رسد و زیادتیر هم به خودش می‌رسد و برای آگاهی بیشتر می‌توانید به کتاب

«ذکری» شهید رحمه الله علیه، طبع قدیم، صفحه ۷۳

مراجعه فرمایید. ۸۱/۷/۲۰

(س ۹) کسی که بدون اذن دخول، وارد حرم یکی از امامان

شده، آیا معصیت کرده است؟

ج- وارد حرم امام شدن، بدون اذن دخول، جایز است،

اما ترک آداب شده است.

(س ۱۰) من با هرگونه عزاداری برای امام حسین علیه السلام مخالفم،

بلکه معتقدم که راه و رسم ایشان را باید آموخت و در زندگی به

کار گرفت. آیا این ظلم به امام حسین علیه السلام است؟

ج- مسلماً عزاداری برای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

جهت آموختن راه و رسم ایشان می باشد و کلیه کسانی

که عزاداری می نمایند به همین منظور اقدام می کنند و

به مطلوب خود می رسند و عدم عزاداری برای آن

حضرت، ظلم به خود و کوتاهی و عدم معرفت نسبت

به آن امام بزرگوار است. ۸۱/۳/۳

(س ۱۱) معمول است بعد از اقامه نماز، اول به حضرت

سیدالشهدا علیه السلام و بعد به حضرت رضا علیه السلام و سپس به حضرت ولی

عصر - ارواحنا فداه - سلام می کنند. آیا به این کیفیت دستوری

رسیده و رجحانی دارد یا خیر؟

ج - به امید ثواب، مانعی ندارد. ۷۷/۱۲/۲۴

(س ۱۲) در شب میلاد یا شب شهادت ائمه اطهار علیهم السلام، آیا می‌توانیم به مطالعه زندگی‌نامه و کرامات آن بزرگواران پردازیم یا به مجالس مختلف برای حفظ شعایر مذهبی برویم. فضیلت کدام یک بیشتر است؟

ج - حضور در مجالس ائمه اطهار علیهم السلام به هر نحو که بر

عظمت شعایر اسلامی بیفزاید، بهتر است. ۷۹/۷/۹

(س ۱۳) آیا در قبال ذکر مصیبت یا مولودی خوانی

اهل بیت علیهم السلام می‌توان از بانیان مجالس، مطالبه وجه نمود؟ آیا این درآمد مشمول خمس می‌گردد؟ در ضمن بعضی از افراد جهت تعلیم اصول و فنون مداحی اهل بیت علیهم السلام وجوهی را دریافت می‌دارند، در این مورد نیز حکم چگونه است؟ دریافت وجوه اهدایی، به شرط مطالبه، آیا جزو درآمد محسوب می‌شود که متعلق خمس باشد؟

ج - وجوه ذکر شده در سؤال حلال است؛ چون اجرت

بر مستحبات و بر غیر واجب است و جزو درآمدهایی

است که متعلق خمس هم می‌باشد. ۷۷/۳/۲۶

(س ۱۴) قیام امام حسین و عدم صلح را در چند جمله

توضیح بفرمایید.

ج - چنان که از جملات خود آن حضرت برداشت می شود قیام آن حضرت برای اصلاح در امت رسول الله ﷺ و رشد و هدایت مردم بوده است: «انی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً، وانما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی». و همچنین آن حضرت با شهادت خود، مردم را از جهل و نادانی و ضلالت گمراهی نجات داد؛ چنان که در زیارت اربعین وارد شده که: «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحيرة الضلالة»؛ یعنی و حسین ﷺ جانش را فدا کرد در راه تو، تا اینکه بندگان از نادانی و سرگردانی و گمراهی نجات یابند. ۸۲/۱/۲۶

(س ۱۵) چرا به امام حسین ﷺ ثارالله می گویند؟

ج - معنی «ثار» حق قصاص و استیفای عوض خون مقتول است و فقره دیگر زیارت عاشورا (وان یرزقنی طلب تارکم مع امام منصور) شاهد آن است و مراد از «ثارالله» این است که صاحب این حق خداوند است و خداوند این حق را طلب کند و معنی این فقره این است که سیدالشهداء مقتولی است که کسی به غیر از خداوند که نمی تواند انتقام خون او را بگیرد. ۸۱/۶/۱

(س ۱۶) فلسفه عزاداری و گریه و زاری برای ائمه علیهم السلام در

اسلام چیست؟

ج - زنده نگه داشتن یاد آن بزرگواران و یادآوری  
مظلومیت آنان و خاندانشان در مقابل طاغوت زمان  
است و گریه و عزاداری در مصیبت آن بزرگواران،  
احیاء امر و نام آنان است. ۸۱/۲/۳۰

(س ۱۷) گفته می شود اگر پلک چشم رطوبتی پیدا کرد،  
خداوند خطاب می کند ای بنده من تمام گناهان تو را بخشیدم.  
اگر رطوبت به مژه هایش رسید، خطاب می شود تمام حاجات  
تو را برآوردم. اگر از مژه رطوبت یا اشک خارج شد، می گوید  
بنده من گناهانت را بخشیدم و حاجاتت را برآوردم و فردای  
قیامت عده ای گناهکار را به تو بخشیدم. اگر این طور است که با  
رطوبتی خداوند همه گناهان را می بخشد، دیگر چرا مردم  
زحمت نماز و روزه بکشند؟

ج - روایات وارده در رابطه با عزاداری و اشک و ثواب  
آن - که بهشت است - فراوان است لیکن مراد از گریه  
این نیست که به خاطر حسرت و تحت تأثیر احساسات  
گریه کند، بلکه مراد گریه ای است که به عنوان یک نوع  
برخورد و جنگ با دشمنان راه حسین علیه السلام و یک نوع

تبلیغ و ترویج مکتب انسان ساز آن حضرت به حساب بیاید. و در واقع گریه‌ای ثواب دارد که برای مظلومیت حسین علیه السلام و تأثر از اینکه چرا باید انسان‌ها او را درک نکنند. و این گریه باید برای زنده نگه داشتن مرام حسین علیه السلام باشد.

(س ۱۸) دلیل سینه زدن برای ائمه علیهم السلام چیست؟

ج - به دلیل آنکه در مورد سؤال، عناوین مستحبی - از جمله دستور به گریه کردن و گریاندن و تعزیه داری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و اظهار مصیبت و ادای احترام و اظهار علاقه - صدق می‌کند؛ بنابراین سینه زدن در عزاداری ائمه معصومین علیهم السلام نه تنها فی حد نفسه جایز است، بلکه مستحب هم می‌باشد و مشمول عناوین مرقومه است. ۸۰/۴/۲۵

(س ۱۹) سینه زدن با تیغ و یا زنجیر زدن با زنجیری که دارای تیغ است و منجر به زخمی شدن بدن و جاری شدن خون می‌شود، اگر چه خطر جانی هم نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج - برپایی مجالس و اقامه عزاداری خامس آل عبا - از قبیل روضه خوانی و وعظ و سینه زنی و عزاداری سنتی - از افضل اعمال است و موجب اجر و مزد اخروی

فراوان است، لیکن باید توجه داشت که دشمن، همهٔ اعمال ما را مستقیماً با مقارن قرار دادن با اعمال دیگران، مورد حمله قرار می‌دهد و غرضش حمله به مذهب یا اسلام است و با عقب‌گرد ما از مواضع عملی اسلامی، ما را رها نکرده، بلکه حمله را زیادتر و زیادتر نموده تا آنکه ما را از همهٔ اعمال و فرایض و شعایر و تبلیغاتمان باز دارد. به حول و قوهٔ الهی و با بیداری امثال شما مسلمانان و بهانه ندادن به دست دشمن و حفظ عزت و عظمت اسلامی هر روز بر شکست آنان اضافه خواهد شد و تبلیغات آنها به جایی نخواهد رسید، که: «الاسلام یعلو و لایعلی علیه شیء».

۷۸/۶/۲۵

(س ۲۰) چه مقدار جایز است انسان در عزاداری حضرت ابا

عبدالله علیه السلام سینه بزند؟

ج- تا حدی که اصل هدف عزاداری، یعنی حفظ اسلام و مبارزه با حکومت جائر، و شهادت خود حضرت و عزیزان و اسارت آنها، مورد فراموشی و غفلت قرار نگیرد، و همیشه باید مسائل سیاسی و انقلابی کربلا مورد توجه باشد.

(س ۲۱) لطمه زدن به صورت یا سینه در عزاداری

اهل بیت علیهم السلام چه صورتی دارد؟

ج- راجع به عزاداری سیدالشهدا حضرت اباعبدالله علیه السلام و هر نحو عزاداری که افراط و هتک مقام شهادت و امامت در آن نباشد، و در مسیر پیدایش راه پیروی از آن وجود مقدس باشد، جایز است. و حسب فرموده امام امت علیه السلام عزاداری سنتی، مانعی ندارد و نباید راههای جدیدی که منشأ حرف و حدیث است، انتخاب نمود؛ کما اینکه اگر اعمال ذکر شده، به خاطر تحت تأثیر موعظه و ذکر مصیبت باشد، نه از اول امر، قطعاً مانعی ندارد. ۷۵/۸/۱۰

(س ۲۲) آیا زنجیر زدن به پشت، سیلی زدن به صورت و یا

سینه زدن که منجر به زخم شدن و خراشیدن و ... می شود و برای عزاداری امام حسین علیه السلام است جایز است؟

ج- جایز می باشد و مشمول اطلاقات و عمومات ابکاء و بکاء و تعظیم شعائر می باشد و آنچه در عزاداری و غیر آن حرام است، جنایت بر بدن است، نه امثال امور که ضرر دار بودنش معلوم نیست بلکه نزد اهلش ضرر محسوب نشده، چه رسد به جنایت بر نفس؛ به علاوه



که ظاهراً حب و علاقه و عشق به اباعبدالله الحسین علیه السلام اختیار از دست افراد عزادار گرفته و مأجور می‌باشند. ۸۲/۵/۲۴

(س ۲۳) آیا سینه زدن و زنجیر زدن برای ریا، جایز است؟  
ج - اگر هیچ‌گونه قصد خدایی ندارد حتی به نحو جمع بین خدا و غیر، و فقط برای خودنمایی است که با آن بتواند افرادی را تحت تأثیر خود قرار دهد و بعد در داد و ستدها و مسائل اجتماعی به نفع خود استفاده نماید، در این صورت بالخصوص به عنوان تدلیس و حيله و فریب و خدعه برای او حرام است؛ ولی غیر از این صورت، همه صور دیگر با انواع نیت‌ها هیچ یک حرام نیست، غایة الامر برخی مستحب و برخی جایز است؛ و به هر حال باب الحسین علیه السلام که از ابواب بهشت است، بابتی بزرگ و دری وسیع و بی حاجب و مانع است و ما هم باید با معرفت به دنبال توسعه باب الحسین باشیم. ۷۸/۸/۱۶

(س ۲۴) اگر مردان عزادار، بدن را برهنه کنند و بدون حضور زنان سینه بزنند، آیا اشکالی دارد؟  
ج - جایز است، و جهتی برای عدم جواز در مفروض

۷۳/۵/۱۱

سؤال نیست.

(س ۲۵) در آمریکا مثل سایر نقاط جهان برای نوحه سرایی سرور شهیدان حسین بن علی مجالسی برپاست که گاهی در این مجالس، جوانان در معابر عمومی بدون پیراهن سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌کنند. آیا این فعل مجاز است؟

ج- برای مردان از جهت پوشش بدن و لباس از جهت حکم شرعی آن، فی حد نفسه حدی وجود ندارد و تنها ستر عورتین بر آنها واجب است، لیکن از جهت حیاء عمومی و عفت جامعه پوشش بدن برای آنها هم در حد همان حیاء و عفت عمومی لازم، بلکه واجب می‌باشد؛ بنابراین برهنه کردن برخی از بدن در مراسم سینه‌زنی و عزاداری که منجر به ضربه زدن به عفت عمومی نبوده و نیست منعی ندارد، آری بعضی از فقها فرموده‌اند که اگر مرد سینه زن، مطمئن باشد که زنان و نامحرمات نگاه به بدنش می‌اندازند باز کردن سینه و عریان نمودن برخی از بدن از باب اعانت بر اثم، حرام است لیکن به نظر این جانب اعانت صدق نمی‌کند؛ چون غرض از سینه زدن اظهار مصیبت و عشق به اباعبدالله علیه السلام است نه همکاری با گناهکاران در

معصیت، که روح بلند عزاداران حسینی از این گونه پلیدی‌ها مبرا و منزّه است و خداوند ما را جزء دستداران اباعبدالله الحسین علیه السلام و عزادارانش قرار دهد؛ عزادارانی که با سوز و احساسات بر سر و سینه می‌کوبند و تنفر از ظالمان و علاقه به مظلومان را عملاً نشان می‌دهند و به مواعظ و نصایح و اعطان عامل و مرشدان صالح حسب سنت دیرینه عزاداری توجه داشته، قرار دهد. ۸۰/۳/۱۹

(س ۲۶) ۱ - آیا هروله کردن (بالا و پایین پریدن و ذکر معصومین را گفتن) در مراسم عزاداری از لحاظ شرعی اشکال دارد یا خیر؟

۲ - آیا گفتن بعضی از کلمات توسط مداحان - مانند «من سگ حسینم، من دیوانه حسینم و...» از لحاظ شرعی اشکال دارد؟

ج - ۱ و ۲. از انجام اعمال و به کار بردن الفاظی که موجب وهن عزاداری و توهین به مقام والای ائمه علیهم السلام می‌باشد، باید پرهیز نمود و عزاداری‌ها بهتر است به همان شیوه عزاداری سنتی و روضه‌خوانی انجام شود. ۸۲/۴/۲۹

(س ۲۷) همان طور که مستحضرید در مورد زیارت عاشورا دو نظریه وجود دارد: عده‌ای آن را معتبر می‌دانند و حتی قائلند که حدیث قدسی است و عده‌ای در سندیت آن اشکال می‌کنند و با توجه به مضامین آن و لعن‌هایش آن را بدون سند و بی‌اعتبار می‌دانند. مستدعی است در این باره ارائه طریق نموده و تحقیقات شریف را به اطلاع حقیر برسانید.

ج - سیره مستمره شیعه - مخصوصاً بزرگانی از فقه و تقوی همچون مرحوم امام امت علیه السلام و آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی و هزاران نفر از بزرگان دیگر که به خواندن آن عنایت داشته و خوانده‌اند و ذهنیت همه شیعیان و دهها جهت دیگر - حجت و دلیل قوی و خدشه‌ناپذیر بر تمامیت زیارت عاشورا می‌باشد و اطمینان حاصل از آنها به مراتب بالاتر از یک خبر و حدیث صحیح، بلکه چند خبر صحیح باشد و بر همه ماست که حادثه عاشورا را با لعن به ظالمین و سلام بر مظلومین و راه‌های دیگر زنده نگه داریم؛ به علاوه که بحث روایی حدیث هم خود بحث مفصلی است.

۸۰/۲/۲۷

(س ۲۸) آیا پوشیدن پیراهن سیاه در ایام عزاداری امام

حسین علیه السلام کراهت دارد؟ در فرض عدم کراهت آیا استحباب نیز دارد؟

ج- مکروه نیست؛ چراکه کراهت لباس سیاه با مصلحتی زیادتر - که همان عزاداری سیدالشهدا است - مرتفع می‌گردد؛ که با عزاداری سیدالشهدا است که اسلام زنده نگه داشته شده است. ۷۷/۴/۹

(س ۲۹) لطفاً نظر خویش را در باره طبل و سنج هیئتهای مذهبی و شبیه‌خوانی بیان فرمایید.

ج- نباید از چنین سنتهایی جلوگیری نمود، و این‌گونه اعمال که در عزاداریها به عنوان وسیله ابکاء و بُکاء و شور دادن به عزاداریها استفاده می‌شود، نمی‌توان گفت حرام است. ۷۵/۴/۲۴

(س ۳۰) آیا به کار بردن عَلم و علامت همراه با سنج و طبل در هیئتهای عزاداری، جایز است؟

ج- عزاداری سنتی مانعی ندارد. ۷۵/۲/۴

(س ۳۱) آیا شبیه‌خوانی به این صورت که عده‌ای به نام حضرت اباعبدالله علیه السلام و دیگر یاران او، و عده‌ای به صورت عمر سعد و یارانش با تغییر لباس و اسب و طبل و دهل و شیپور با بلندگوهای گوش خراش و نسبتهایی که در نسخه‌ها کم و بیش

هست و شرکت زن و مرد در این جلسات بدون حجاب و حائل، از نوع عزاداری سنتی محسوب می‌شود و شرعاً صحیح است یا خیر؟

ج - شبیه خوانی فی حدّ نفسه، حرام نیست؛ لیکن نسبت دروغ، و اختلاط زن و مرد، و ایدای افراد، در همه جا حرام است و باید از آن اجتناب کرد. ۷۰/۳/۲۹  
(س ۳۲) چندین سال است که در روستای ما برنامه تعزیه‌داری، در روز عاشورا برقرار می‌شود، عده‌ای در نقش جوانان بنی‌هاشم علیهم‌السلام یک پسر بچه نُه الی ده ساله در نقش حضرت سکینه علیها‌السلام و شخصی در نقش حضرت امام حسین علیه‌السلام و شخص دیگری در نقش حضرت ابوالفضل علیه‌السلام شبیه خوانی می‌نمایند. آیا این تعزیه خوانی و شبیه خوانی، جایز است یا نه؟  
ج - اگر هیچ‌گونه حرامی در این گونه شبیه خوانیها وارد نشود، جایز است و مانعی ندارد؛ لیکن بر همگان است که بیشتر به منابر و مواعظ و مجالس روضه خوانی توجه داشته باشند. ۷۴/۱۲/۲۴

(س ۳۳) آیا حمل نمودن شبیه نعش اباعبدالله علیه‌السلام و یا علی اصغر علیه‌السلام در دسته‌های عزاداری جایز است یا خیر؟  
ج - سنتهای عزاداری اباعبدالله علیه‌السلام به هر نحو که بر

عظمت شعایر اسلامی بیفزاید، در صورتی که در نظر عرف توهین به حضرتش محسوب نگردد، جایز می‌باشد و نمی‌توان گفت حرام است. ۷۲/۷/۴  
(س ۳۴) آیا شبیه‌خوانی و تعزیه، جایز است، در حالی که لباسهای زنانه را به مرد می‌پوشانند؟

ج - عزاداری برای ابا عبدالله الحسین علیه السلام ممدوح است. ۷۶/۳/۶

(س ۳۵) افراط در عزاداری برای ائمه علیهم السلام و ایجاد مزاحمت برای مردم به وسیله راه‌اندازی دسته‌های عزاداری در خیابان چه حکمی دارد؟ آیا شرکت در چنین مراسمی جایز است؟  
ج - گرچه ایجاد مزاحمت برای افراد، صحیح نمی‌باشد، اما نباید مراسم عزاداری خامس آل عبا علیهم السلام را به بهانه‌های مختلف کم رنگ نمود، بلکه باید هر چه باشکوه‌تر برگزار کرد که از شعایر اسلامی می‌باشد و ثواب زیاد دارد و تعظیم شعایر لازم است و برگزاری مراسم مذهبی و حتی ملی در تمام دنیا همراه با تجمع و عبور از خیابان‌ها می‌باشد که گاهی موجب سد معبر هم می‌شود و عقلای عالم برای مصلحت عمومی و اقوی، این گونه مزاحمت‌ها را قبیح نمی‌دانند. ۸۰/۲/۱۶

(س ۳۶) اگر درس عاشورا مقاومت در برابر جور به هر شکلی، حتی فدای جان است، پس چرا ائمه علیهم السلام ما هیچ قیامی در برابر حاکمان جور نکردند؟

ج - درس عاشورا هدر دادن خون و کشتن و کشته شدن بدون هدف نیست، بلکه دفاع از دین و حفظ اسلام در مقابل دشمنان اسلام و زنده نگه داشتن احکام الهی است که ائمه علیهم السلام در هر زمانی با توجه به شرایط مخصوص آن زمان به این مهم در حد اعلاء همت گماشته‌اند و لذا همه آنها یا به وسیله زهر و یا به وسیله نیزه و شمشیر کشته شده‌اند و هیچ یک از آنها با مرگ طبیعی نمرده‌اند و معمولاً نیز در حصر و زندان بوده‌اند.

۸۱/۲/۲